

یادداشت

«امت واحده اسلامی» در سایه مکتب خاتم الانبیا



دکتر محمد مهدی تسخیری

معاون بین الملل و ارتباطات
دانشگاه ادیان و مذاهب

در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی روزهای ولادت منتسب به پیامبر اکرم(ص)، با ابتکار رهبر جمهوری اسلامی ایران به نام «هفته وحدت» به جهان اسلام معرفی شد، که امروزه در بسیاری از کشورهای مسلمان مراسم گرامیداشت این هفته احیا می‌شود. در این یادداشت به سه ویژگی امت واحده پیامبر اسلام(ص) اشاره خواهیم کرد.

۱-ایمان به خدای یکتا

ایمان به خدای یکتا همان «توحیدی» است که رکن اساسی برای برپایی امت واحده اسلامی است. پیامبر خدا(ص) از بدو بعثت بر این اصل تکیه فراوانی داشت و رستگاری در عرصه‌های مختلف فرهنگی، علمی، تربیتی، اقتصادی، نظامی و امنیتی را در زیر سایه توحید قرار داد. ایشان در سخنرانی‌ها و موعظه‌های خویش بر تبعیت کامل از اساس توحید و خدایی کردن همه اعمال تأکید می‌نمودند و بر این باور بودند که وحدنی که از سرمتناً توحید نباشد، پایدار نیست. از این رو، شعار همیشگی خاتم‌الانبیا این بود که: «رستگاری در توحید است.»

شعار همه انبیای الهی و هدفتشان، پرستش و توحید همراه با عدم تبعیت از ستمگران است، زیرا که ستمگران، عدالت را به مسلخ خواسته‌های مستبدانه خود برده و اساس توحید را تحت‌الشعاع هوس‌های خود قرار می‌دهند، «ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید.»

یعنی خدا را در هر حرکتی دیدن و برای رضای او تلاش کردن، تا اگر در آینده انسان از هر خیرخدا ناهمربانی و جفا دید، ناامید از رحمت حق نگردد و احساس نکند که تلاش او بیپوده بود، بلکه این باور به پیش بیورد که هرآنچه انجام داده است در محضر خداوند متعال بوده و جزو باقیات و صالحات نزد خالق متعال است، که هرگز تلاش‌های ما را نادیده نمی‌انگارد. (آیه ۵۲ سوره طه)

۲-تبعیت از پیامبر عظیم‌الشان از روی آگاهی

کتاب آسمانی به صراحت بیان می‌کند که رسول خدا بر اهل ایمان از خود آنان سزاوارتر است و تجربه تاریخی نشان داده است جامعه‌هایی که از رهبران صالح و دوراندیش پیروی نکردند مسیر بیراهه را طی نمودند. کافی است به نمونه‌های اخیر کشورهای اسلامی خود نظاره کنیم تا عمق فاجعه، عدم تبعیت از فرامین الهی و پیامبر اکرم(ص) را دریابیم. جغرافیای جهان اسلام پر از ثروت‌های انسانی و اندیشمندانی است که متأسفانه برخی از این کشورها با وجود حاکمیت‌های کوتاه‌بین و دور از تعالیم اسلامی، به جای خدمت به امت و ملت‌های مسلمان، محصولات علمی خود را وقف دیگران کرده‌اند، به‌طور خواسته یا ناخواسته چرخه قدرت کشورهای سلطه را تقویت و مهر تأیید بر استضعاف مبین خود زده‌اند.

آموزه‌های قرآنی و اسلامی به عدالت، آزادی، اعتدال، پرورش اخلاقی و معنوی، رشد علمی و توسعه تأکید دارد، اما آنچه در برخی از کشورهای اسلامی شاهد هستیم جهل و خودباختگی و خودتحقیری است که نتیجه عدم تبعیت از آموزه‌های پیامبرگرامی اسلام(ص) است. حال آنکه آموزه‌های اسلامی بر قدر و قوت در تمام صحنه‌های زندگی دنیوی تأکید دارد: **أَعْدُوا لَهُمْ مَا اسْتَغْنَوْهُمْ** مِنْ قُوَّةٍ... هرچه در توان دارید قوی باشید؛ در تمام عرصه‌های زندگی، چون بعنف فرهنگی و مالی و امنیتی و... موجب ذلت و دست دراز کردن به دیگران و ترس از ابرقدرت‌ها می‌شود، حال آنکه آموزه‌های قرآنی به‌دنبال کرامت و عزت انسان و جامعه اسلامی است؛ **وَلِلَّهِ الْكِبْرُ** وَلِرَسُولِهِ **وَلِلْمُؤْمِنِينَ**، عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است. کرامت دنیا و آخرت هدف والی تعالیم پیامبران است. علت اساسی عقب‌افتادی برخی جوامع معاصر اسلامی، دوری از مفاهیم قرآنی و درک و یا تفسیر و برداشت‌های نادرست از این آموزه‌هاست، زیرا «**الاسلام یعْلُو** ولایعْلُو علیهِ»؛ اسلام علو و برتری پیدا می‌کند و چیزی بر اسلام پیروز نمی‌شود و (کلمه‌الله‌هی العلیا)، و کلمه و اراده خداوند برای نصرت پیامبر و امتش برتر و پیروز است. با توجه به این آموزه‌های صریح قرآنی و حدیثی، هویداست که عقب‌ماندگی برخی جوامع اسلامی ناشی از عدم سرلوحه قراردادن سیره پیامبر(ص) برای زندگی ساعات‌بخش است.

۳-وحدت امت

یکی از عناصر قدرت و پیشرفت امت اسلامی در صدر اسلام «وحدت» است. از مقوله‌های معروف علما این است که اسلام بر اساس دو رکن اساسی بقا و دوام پیدا کرده است، (کلمه التوحید و توحید الکلمه)، به پایه و رکن اول اشاره کردیم، که همان پذیرش توحید در همه صحنه زندگی و خدایی بودن است، که هدف همه انبیای الهی است و رکن دوم «توحید الکلمه» است، که همانا وحدت امت اسلامی است.

«وحدت کلمه» یعنی مسلمانان هرچند در اندیشه‌ها و برداشت‌ها باهم متفاوت‌اند اما باید در عمل موضع‌گیری واحدی داشته باشند و صفوف خود را متحد کنند و دل‌های خود را نسبت به مسائل کلان و اصول اساسی خود یکی کنند تا نهاد مودن‌نظر خود را برپا کنند و به هدفی که همه هستی برای آن آفریده شده است، برسند. این رکن دوم، نه تنها برای استقرار بنای اسلام، بلکه سنگ‌بنای گسترش تعالیم آن و مهار ظلم و ظالمان است و اگر «وحدت کلمه» نبود، اسلام در اوایل ظهور خود طعمه بدخواهان می‌شد. ده‌ها آیه و حدیث در رابطه با «وحدت» و اهمیت آن در مکتب پیامبر اسلام(ص) وجود دارد اما ستمگران برای چپاول ثروت انسانی و مادی انسان‌ها و رسیدن به جاه‌طلبی‌های خود، تخم تفرقه را در میان انسان‌ها گاشته تا خود، با خیالی راحت به حاکمیت‌شان ادامه دهند.

بدون شک فطرت انسانی و عقل بشر بر ضرورت وحدت برای پیشبرد اهداف انسانی و اسلامی تأکید دارد. کافی است که آثار مخرب تفرقه میان مسلمانان را در صحنه معاصر ببینیم؛ ده‌ها هزار جان باخته، اگر نگوییم صدها هزار انسان مسلمان نتیجه جنگ‌های میان کشورهای اسلامی و یا برائث‌هجمه‌ها و ترورهای گروه‌های مسلحی است که ابتدا برای فریب مردم به نام دین و مذهب آغاز کردند، اما با شعار دفاع از مذهب محمد، به جان دین‌محمد(ص) افتاده‌اند. اهل خیره خوب می‌دانند که در پس این همه هیاهو، دست‌های نابکار دولت‌های ستمگر و گروه‌های خودخواه و سازمان‌های صهیونیستی نهفته است.

اگر ملت‌های مسلمان بخواهند روی سعادت را ببینند باید از تمام توان خود بهره‌برند تا شعراهای تفرقه‌افکنانه، در میان مسلمانان منقور شود و یکی از اهداف انبیای الهی و خاتم ایشان را به منصه تحقق برسانند؛ «و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید و در درتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد. بدین گونه خدا آیاتش را برای راهنمایی شما بیان می‌کند، باشد که هدایت بشوید.» (سوره آل عمران، آیه ۳)



تأملی بر سیره اخلاقی رسول اکرم(ص)

پیام آور رحمت

سیره پژوهی
حجت‌الاسلام مصطفی قنبرپور
<i>پژوهشگر دین و تاریخ</i>

«اخلاق» از جمله مباحث علمی و فلسفی است که از قرون گذشته‌تا امروز همواره مورد تحقیق و مذاقه دانشمندان بسیاری بوده است. اغلب فیلسوفان و عالمان علوم‌اجتماعی و صاحب‌نظران علوم‌انسانی، فضایل اخلاقی را از ارکان «سعادت بشر» می‌شمارند و آن را مایه تعالی مادی و معنوی انسان معرفی می‌کنند. در دین مقدس اسلام هم، «اخلاق» مورد تأکید بسیار قرار گرفته است؛ چنانکه حتی «تعالی مکارم اخلاق بشر» هدف بعثت رسول اکرم(ص) تعیین شده است؛ «بعثت بیکارم الاخلاق و محاسنها؛ من از طرف خداوند برای مکارم اخلاق و محاسن آن مبعوث شده‌ام.» قرآن کریم تخلق به اخلاق حمیده را عامل رستگاری و راه وصول به سعادت معرفی می‌کند و فساد اخلاقی را منشأ زیان و ضرر جامعه شناخته است. در راستای شان اخلاق در نزد پروردگار، امام صادق(ع) می‌فرماید: خداوند به بنده خود در برابر حسن خلق پاداشی می‌دهد همانند اجر ماه‌راه‌دار حق که روز و شب در فعالیت و کوشش باشد (روضه کافی ص ۱۵۰) در این گفتار به برخی وجوه سیره اخلاقی پیامبر(ص) اشاره خواهیم کرد که اگر این اصول اخلاقی، الگوی ما در جوامع اسلامی و سرمنشأ رفتار ما مسلمانان شود به صلح و همبستگی بیشتری در جامعه خواهیم رسید.

پی‌ریزی مکارم اخلاقی برای

انسان‌سازی

پیامبران الهی برای آنکه مردم را با اخلاق و انسانیت آشنا کنند به فرمان خدای متعال اساس مکارم اخلاقی را در جهان پی‌ریزی کردند و سرانجام خاتم پیامبران، حضرت محمد مصطفی(ص)، هنگامی که به رسالت مبعوث شد مأموریت یافت تا مکارم اخلاقی را به کمال نهایی‌اش برساند و بنایی را که پیامبران الهی پایه‌گذاری کرده بودند، تکمیل کند و مسلمانان را از عالی‌ترین صفات انسانی برخوردار کند که همان اخلاق نیکو است.

رسول مهربانی‌ها می‌فرماید: **إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَکَارِمَ الْأَخْلَاقِ** (کتاب مستدرک ج ۲ ص ۲۸۲) یعنی من از طرف خداوند



پیامبر می‌فرماید: «به مرحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تند خو و سخت‌دل بودی مردم از گرد تو متفرق می‌شدند، پس از (بدی) آنان درگذر و برای آنان طلب آمرزش کن و (برای دلجویی آنان) در کار (جنگ) با آنها مشورت نما، لیکن آنچه تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده، که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند، دوست دارد.»

انطباق‌پذیری ویژگی بارز رهبری پیامبر

آیت‌الله مکارم شیرازی در جلد سوم



شیخ طبرسی در جلد نهم تفسیر «مجمع‌التیان لعلوم القرآن» داستانی از پیامبر(ص) را با یک زن آواره‌خوان آورده است که بازخوانی آن می‌تواند برای ما درس آموز باشد تا ما مسلمانان در عمل و کردار بیشتر از قبل به آن حضرت اقتدا کنیم.

زنی آواره‌خوان به نام ساره دو سال بعد از جنگ بدر از مکه به مدینه آمد و پیامبر(ص) از او پرسید: مسلمان شده‌ای؟ ساره پاسخ داد: نه! پیامبر(ص) فرمود: پس برای چه آمده‌ای؟ ساره گفت: شما همیشه برای ما پشتیبان بوده‌ای، اکنون نیازمند شده‌ام و مرکب و پولی ندارم و به شما پناه آورده‌ام. رسول اکرم(ص) فرمود: تو که در مکه آواره‌خوان جوانان بوده‌ای چطور شد که محتاج شده‌ای؟

او گفت: بعد از جنگ بدر فراموش خاص و عام شدم. پیامبر بدون آنکه از او بخوادد، تا مسلمان نشود او سراز کرد. بر اثر کوشش‌های به خاندان خود دستور دادند که به او کمک کنند. این داستان از مهربانی پیامبر(ص) حکایت دارد که حتی مهربانی و عطوفت خویش را از مشرکان هم دریغ نکردند و اجباری را برای دین به هیچ انسانی تحمیل نکردند؛ چرا که بنا به آیه قرآن «لا اکراه فی الدین» اسلام دین اجبار نیست.

عمیقی میان دین و دانش برقرار است. بر خلاف آنچه دانشمندان غرب در قرن ۱۹ و پس از آن خواسته‌اند میان علم و دین تغایر و تضاد ایجاد کنند و گاهی دین را مانع رشد علوم و سبب ایستایی آن دانسته‌اند تا بدین وسیله با دین ستیز کرده و دامنه گرایش به دین را کوتاه کنند، اما شکافنده علوم(ع) ثابت کرد که نه تنها دین مغایر با علوم نیست بلکه مولد علوم است، دین مظهر و معبر رسیدن به علوم است.

۲-تمدن‌سازی

مکتب جعفری برخوردار از عناصر تمدن‌ساز بی‌مانندی است. اساس تمدن‌ها، علم است و توانمندی تولید علم و نظریه‌های علمی می‌تواند



کتاب «تفسیر نمونه» در تفسیر آیه ۱۵۹

سوره آل عمران، ما را به یکی از صفات مهم پیامبر(ص) توجه می‌دهد که از ویژگی‌های لازم و ضروری «رهبری» است؛ گذشت، نرمش و انعطاف در برابر کسانی که تخطی از آنان سر زده و سپس شیمان شده‌اند. رهبر اگر خشن و تندخو و غیرقابل انعطاف و فاقد روح گذشت باشد در برنامه‌هایش با شکست مواجه می‌شود و مردم از اطرافش پراکنده می‌شوند و آن فرد از وظیفه رهبری خود بازمی‌ماند. اخلاق سیاسی و اجتماعی رسول خدا(ص) گویای انعطاف و نرمش یک رهبر و زمامدار آگاه و مسئول است. در روایات می‌خوانیم که به آن حضرت ارزش حسارت می‌کردند حتی زمانی که ایشان به شهر طائف رفته بودند آنقدر به پای آن حضرت سنگ زدن که خون از پای مبارکشان جاری شد ولی آن بزرگوار فرمودند: «خدا یا ایشان نمی‌فهمند آنان را هدایت کن» و هرگز در حق آنان نفرین نکردند و همواره تبسم بر لبان آن حضرت نقش می‌بست.

امام صادق(ع) در مورد مهربانی و اخلاق نیکوی پیامبر(ص) فرموده است: روزی رسول خدا(ص) نماز ظهر را به جماعت خواند و مردم بسیاری به ایشان اقتدا کردند ولی آنان ناگهان دیدند که آن حضرت برخلاف معمول دو رکعت آخر نماز را با شتاب تمام کرد. مردم از خود

پرسیدند به راستی چه حادثه مهمی اتفاق افتاده است که پیامبر نمازش را با شتاب تمام کرد؟ پس از نماز علت را از حضرت جویا شدند. پیامبر(ص) فرمود: آیا شما صدای گریه کودک را نشنیدید؟ معلوم شد که کودکی در چند قدمی محل نمازگزاران گریه می‌کرده و کسی نبود که او را آرام کند. صدای گریه او دل مهربان پیامبر(ص) را به درد آورد. از این رو، نماز را با شتاب تمام کرد تا کودک را از آن وضع بیرون آورده و نوازش و دلداری دهد.

آری پیامبر مهربانی‌ها هرگز خشم نمی‌کرد و با مردم متواضعانه رفتار می‌کرد حتی بین مردم حلقه‌وار و بی‌تکلف می‌نشست و با آنان سخن می‌گفت. هرگز بدی را با بدی پاسخ نمی‌داد بلکه با گذشت و اخلاق کریمانه با مردم رفتاری می‌کرد حتی با دشمنان خود برخوردی مهربانانه داشت.

دکتر گوستاو لو بن فرانسوی در کتاب «اسلام و عرب» صفحه ۱۱۴ درباره اخلاق پیامبر(ص) می‌نویسد: او مردی بود بردبار در برابر سختی‌ها و دشواری‌ها، دارای همتی بلند و در برخورد، بسیار مهربان و خوشرو بود... ما اگر خواهیم ارزش اشخاص را به کردار و رفتار و اخلاق و آثار نیک‌شان بسنجیم مسلماً حضرت محمد(ص) بزرگترین مرد تاریخ بشر است.

یکی از خدمتگزاران پیامبر هم درباره حسن اخلاق پیامبر(ص) می‌گفت: من ۱۸ سال به پیامبر(ص) خدمت کردم و هیچگاه سخنی تند یا کرداری ملال‌آور حتی برای تنبیه من از ایشان ندیدم. میرزا حسین نوری در جلد دوم کتاب «مُسْتَدْرَکُ السِّیَاقِ وَ السُّیَاقِ الْمَسْئَلِ» در صفحه ۸۲ از زبان پیامبر(ص) می‌نویسد: «هی دانم ثروت شما آنقدر نیست که مردم را از عطایای خویش بهره‌مند سازید و قلوب آنان را به خود متوجه نمایید ولی با گشاده‌رویی و حسن خلق می‌توانید آنان را خشنود کنید و عواطفشان را به خویشتمن مطوف دارید.» همه این آیات و روایات گویای این واقعیت هستند که چرا حضرت محمد(ص)، «پیامبر و پیام‌آور رحمت» لقب گرفته‌اند.



دکتر گوستاو

لو بن

فرانسوی در

کتاب «اسلام

و عرب»

درباره اخلاق

پیامبر(ص)

می‌نویسد: ما

اگر بخواهیم

ارزش

اشخاص را به

کردار و رفتار

و اخلاق و

آثار نیک‌شان

بسنجیم

مسلماً

حضرت

محمد(ص)

بزرگترین مرد

تاریخ بشر

است

شاخه‌های مختلف علم فقه، علم رجال، علم بهداشت و شاخه‌هایی از علم طب، روانشناسی، علوم اجتماعی، علم ارتباطات، علم انسان‌شناسی، علم نجوم و کیهان‌شناسی و علم شیمی و فیزیک، علم اعداد و هیات و... از دیگر شاخه‌های علمی هستند که آن حضرت تأسیس کرد و دانشمندانی در این زمینه‌ها تربیت کرد.

۳-شاگردپروری

امام صادق(ع) بنا بر نیاز زمان خویش و توسعه علوم دینی و دفع شبهات از حوزه دین، ابداعی در تعلیم و تربیت کرد که بی‌سابقه بود. ایشان بخوبی به این واقعیت واقف بودند که تربیت شاگرد برای دوام و بقای هر اندیشه و استمرار آن یک ضرورت است. از این‌رو برای حفظ میراث اسلامی به تربیت شاگرد در علوم مختلف اهتمام کردند و این روش حضرت، دوام و پابندگی علمی جهان اسلام را تضمین کرد و سبب رونق علم جویی در گستره قلمرو اسلامی و رشد و تعالی تمدن اسلامی شد. تعداد شاگردان آن حضرت را بیش از چهار هزار نفر نقل کرده‌اند. که این خود تأثیر وسیع و گستره نفوذ علمی حضرت در قلمرو بزرگ اسلامی آن روزگار را نشان می‌دهد.